

مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی  
سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳  
تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۰۲/۱۳  
تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۳/۰۶/۱۱  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۱۱  
صص ۱-۱۵

## تحلیل گفتمانی انشقاق جریان اصولگرا به خرده گفتمان‌های جبهه‌ی پایداری و جبهه‌ی متحد اصولگرایی در انتخابات ۱۳۹۰

\*عباسعلی آهانگر  
\*\*علی اصغر سلطانی  
\*\*\*امیرعلی خوشخونزاد

### چکیده

گفتمان اصول‌گرا در انتخابات مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۰ خرده‌گفتمان‌های متعددی را در خود جای داد. جبهه متحد اصول‌گرایی و جبهه پایداری از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین خرده‌گفتمان‌های اصولگرا در این انتخابات بوده‌اند. هدف پژوهش حاضر این است تا بر اساس تلفیقی از نظریه گفتمان لاکلا و موف (۲۰۰۱) و تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به بررسی منازعات معنایی این دو خرده‌گفتمان در انتخابات مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۰ بپردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان جبهه متحد اصولگرایی دال‌های شناور خود یعنی عدالت، معنویت، پیشرفت، خدمت‌رسانی، ارزشها، توسعه‌ی اقتصادی، اسلام و مقاومت را حول دال مرکزی ولایت شکل داده است. در مقابل، گفتمان جبهه پایداری انقلاب اسلامی دال‌های شناور معنویت، عدالت، ارزش‌ها، خدمت‌رسانی، مقاومت و عقلانیت را حول دال مرکزی ولایت مفصل‌بندی کرده است.

**واژه‌های کلیدی:** تحلیل گفتمان انتقادی، جبهه متحد اصولگرایی، جبهه پایداری، منازعات معنایی

## ۱. مقدمه

در انتخابات مجلس نهم با به‌حاشیه‌رفتن گفتمان اصلاح‌طلب، تنها گفتمان تأثیرگذار در انتخابات، گفتمان اصول‌گرایی بود. از آنجا که برای تخاصم در نظام سیاسی یک کشور نیاز به وجود رقیب است، گفتمان اصولگرا برای ادامه حیات خود نیاز به غیر داشت. به بیان لاکلا و موف (۲۰۰۱)، اولین گام برای تحلیل سیاسی، شناسایی دست کم دو گفتمان متخاصم است که با هم رابطه غیرسازانه برقرار کرده‌اند. در این انتخابات، گفتمان اصولگرایی خرده گفتمان‌های متعددی را در خود جا داد، و وجود همین خرده گفتمان‌ها سبب بروز نوعی رقابت میان اعضای این گفتمان شد.

یکی از این خرده گفتمان‌ها در این انتخابات، اصولگرایی سنتی است که در کنار اصولگرایان تحول‌خواه خود را در قالب جبهه متحد اصولگرایان در معرض قضاوت مردم قرار داده‌اند، اما در کنار این گفتمان، گفتمان دیگری از اصولگرایی نیز به وجود آمده است که ضمن حمایت از دولت دهم، داعیه‌ی نوگرایی دارد و معتقد است باید متناسب با نیازهای جامعه، تغییراتی در گفتمان‌های موجود ایجاد شود. این گفتمان که خود را گفتمانی فرهنگی می‌داند در جبهه پایداری به ظهور رسیده است و عامل وجودی خود را در مرزبندی نسبت به حوادث پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ می‌داند. در این راستا، در گفتمان جبهه‌ی پایداری از وقایع و ناآرامی‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ به عنوان فتنه یا جریان فتنه یاد می‌شود.

یکی از دلایل افتراق گفتمان جبهه‌ی پایداری از گفتمان جبهه‌ی متحد نیز در همین مساله است، چرا که اعضای حاضر در جبهه پایداری معتقدند برخی اعضای جبهه متحد اصولگرایان نسبت به حوادث پس از انتخابات ۸۸، مرزبندی روشنی نداشته‌اند. البته از سوی برخی اعضای حاضر در جبهه متحد اصولگرایان نیز این انتقاد به اعضای جبهه پایداری مطرح شده است که آن‌ها نیز مرزبندی مناسبی با آنچه به جریان انحرافی معروف است ندارند. جریان انحرافی یا جریان خاص اصطلاحی است که مخالفین محافظه‌کار محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت ایران، برای توصیف حلقه‌ای از نزدیکان و جریانی در دولت وی ابداع کردند. از این رو، در انتخابات مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۰ گفتمان اصول‌گرایی خود دچار نوعی انشقاق شد. در حقیقت، با شکل‌گیری این دو جبهه زمینه برای نقد درون گفتمانی فراهم شد.

این پژوهش بر آن است تا بر اساس تلفیقی از نظریه گفتمان لاکلا و موف (۲۰۰۱) و تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (۱۹۹۵) به بررسی منازعات معنایی این دو خرده گفتمان در انتخابات مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۰ بپردازد. در این راستا، ۲ متن کامل خبری از هفته‌نامه ۹ دی به عنوان رسانه حامی خرده گفتمان جبهه پایداری و ۲ متن کامل خبری از روزنامه رسالت به عنوان رسانه حامی خرده گفتمان جبهه متحد اصولگرایی برای تحلیل انتخاب گردید. عناوین خبری انتخاب‌شده در فواصل زمانی ۹۰/۱۱/۱۵ تا ۹۰/۱۲/۱۵ گردآوری شده‌اند.

## ۲. چارچوب نظری پژوهش

در میان بسیاری از نظریه‌پردازان گفتمان، نظریه‌ی گفتمان ارنست لاکلا<sup>۱</sup> و شانتال موف<sup>۲</sup> جایگاه خاصی دارد؛ از آن جهت که این دو اندیشمند توانسته‌اند نظریه‌ای را که ریشه در زبان‌شناسی دارد به عرصه‌ی فرهنگ، اجتماع و سیاست بکشانند (کسرای و پوزش، ۱۳۸۷). لاکلا و موف (۲۰۰۱) بر این باورند که گفتمان مجموعه‌ی معناداری از دال‌های به

<sup>۱</sup> E. Laclau

<sup>۲</sup> Ch. Mouffe

هم پیوسته است که معنای خود را از آرایش گفتمانی و در تمایز با گفتمان‌های مخالف به دست می‌آورد. نظریه گفتمان لاکلا و موف (۲۰۰۱) قابلیت فوق‌العاده‌ای در تبیین پدیده‌های اجتماعی و سیاسی دارد. این قابلیت در سایه مفاهیم اصلی و کلیدی است که کاربرد این نظریه بر مبنای آن‌ها استوار است. در ادامه به تشریح بیشتر مفاهیم این نظریه‌ی گفتمان پرداخته می‌شود.

اولین مفهومی که در نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موف (۲۰۰۱) مورد بررسی قرار می‌گیرد مفهوم «گفتمان» است. گفتمان برای لاکلا و موف تلاش برای تثبیت شبکه‌ای از معانی در یک حوزه‌ی خاص است. در این راستا لاکلا و موف (۲۰۰۱) بر این باورند که معنا و هویت از طریق عمل مفصل‌بندی (articulation) حاصل می‌شود. این دو مفصل‌بندی را عملی می‌دانند که از طریق ارتباط دادن عناصر هر گفتمان حول دال مرکزی (nodal point) شکل می‌گیرد.

در نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موف دال‌ها به دو طبقه‌ی دال‌های مرکزی و دال‌های شناور (floating signifier) تقسیم می‌شوند. لاکلا و موف (۲۰۰۱: ۱۱۱) معتقدند "دال مرکزی نقطه‌ای است که سایر نشانه‌ها در اطراف آن نظم می‌گیرند و سبب می‌شود یک گفتمان به ثبات موقتی دست یابد". این اصطلاح از ژان لاکلان گرفته است (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲). از سوی دیگر دال‌های شناور دال‌های هستند که هنوز جا برای تخصیص معانی مختلف به آن‌ها وجود دارد (لاکلا و موف، ۲۰۰۱). به بیان یورگنسن و فیلیپس (۲۰۰۲: ۲۸) دال‌های شناور نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف سعی دارند به شیوه‌های مخصوص خودشان به آن‌ها معنا دهند.

یورگنسن و فیلیپس (۲۰۰۲) بر این باورند که تثبیت رابطه بین دال و مدلول به انسجام گفتمان منجر می‌شود و تثبیت این رابطه خود به تثبیت رابطه‌ی بین دال مرکزی و سایر دال‌ها بستگی دارد. در این نظریه نشانه‌هایی وجود دارند که معنایشان هنوز تثبیت نشده است؛ یعنی این نشانه‌ها دارای معانی متعددی می‌باشند. در نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موف "هر نشانه‌ای از گفتمان که معنایش تثبیت نشده باشد، عنصر (element) نامیده می‌شود. از سوی دیگر «نشانه‌هایی که در یک گفتمان معنایشان تثبیت یافته است، وقته (moment) نام دارند" (لاکلا و موف، ۲۰۰۱: ۱۰۵). همچنین لاکلا و موف معانی احتمالی نشانه‌ها را که از گفتمان طرد می‌شوند حوزه‌ی گفتمان‌گونگی (field of discursivity) می‌نامند. هر گفتمان تلاشی است برای تسلط بر حوزه‌ی گفتمان‌گونگی تا از این طریق جریان‌های مختلف را از بین ببرد و سازمان‌دهی به وجود بیاورد (تورفینگ، ۱۹۹۹: ۱۰۳).

وقتی در مفصل‌بندی یک گفتمان عنصری به وقته تبدیل می‌شود از حالت شناور خارج می‌شود و نوسان در معنی آن توقف موقتی پیدا می‌کند. مفهوم انسداد اشاره به توقف یا تثبیت موقتی معنا دارد که از طریق استیلا گفتمان‌ها پدید می‌آید؛ به عبارت دیگر گفتمان توقفی ایجاد می‌کند که منجر به تثبیت موقت نشانه‌ها می‌شود؛ اما این انسداد هیچ‌گاه نهایی نیست، یعنی اینکه تبدیل عنصر به وقته هرگز با تحقق کامل همراه نیست (لاکلا و موف، ۲۰۰۱).

یکی از مهم‌ترین مفاهیم در نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موف (۲۰۰۱) استیلا (hegemony) است. این مفهوم اولین بار توسط گرامشی (۱۹۷۱) معرفی شد و توسط بسیاری از پژوهشگرانی که در زمینه‌ی تحلیل گفتمان کار می‌کنند، به کار گرفته شده است. استیلا در نظریه گفتمان لاکلا و موف به کنش‌های خصومت‌آمیزی اشاره دارد که عناصر را در زنجیره‌ی هم‌ارزی به هم پیوند می‌دهد. در نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موف، مفهوم زنجیره‌ی هم‌ارزی به منظور از بین بردن

مرزهای میان گروه‌های اجتماعی با علایق مختلف به کار می‌رود. این امر از طریق ارتباط آن‌ها با یک ویژگی مشترک و غیرسازی با غیر صورت می‌گیرد (لاکلا، ۱۹۹۳). از سوی دیگر، غیر باعث شکل‌گیری مفهوم دیگری به نام منطق تفاوت نیز می‌شود. "منطق تفاوت، به ویژگی متکثر بودن جامعه اشاره دارد و بر تمایزها و تفاوت‌های میان نیروهای اجتماعی تأکید می‌کند" (دیوس، ۲۰۰۳: ۱۶۵).

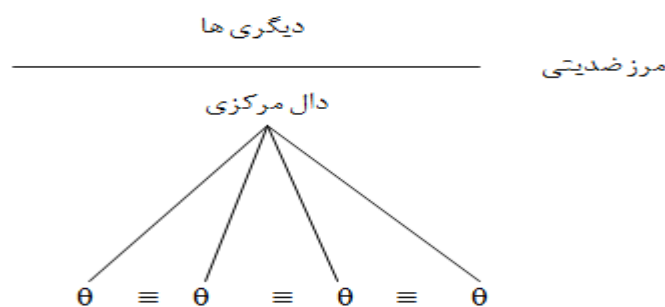
استیلا و ساختارشکنی دو روی یک سکه هستند. به عبارت دیگر، ساختارشکنی تصادفی بودن ساختارها و هویت‌ها را نشان می‌دهد، در صورتی که استیلا به تشریح ماهیت ساختارها، هویت‌ها و ایدئولوژی‌ها می‌پردازد.

در عرصه سیاسی، تخصیص (antagonism)، دیگری یا دشمن را شکل می‌دهد تا مرز میان ما و دیگری را به طور نسبی مشخص کند و از این طریق زمینه را برای تمایز میان گفتمان و حوزه‌ی گفتمان‌گونگی فراهم آورد. چنین الگویی را می‌توان در تمامی عرصه‌ها به کار گرفت. تخصیص‌ها هیچ‌گاه از میان نمی‌روند، بلکه فقط در وقته‌ها به طور موقت ته نشین می‌شوند و روابط قدرت از نظر پنهان می‌مانند (لاکلا و موف، ۲۰۰۱: ۱۲۲).

گفتمان‌هایی که بر اساس غیرسازی شکل می‌گیرند، بر اساس مجموعه‌ای از تناقضات دوگانه مانند خوب و بد، دادگر و ستمگر، بی‌گناه و گناه‌کار، منطقی و غیرمنطقی، و متمدن و غیر متمدن شکل می‌گیرند. بر اساس این نوع دوگانه‌سازی می‌توان دال‌های شناور هر گفتمان را مشخص کرد (لاکلا و موف، ۲۰۰۱؛ ژیتک، ۱۹۸۹). همانند دال‌های شناور، این دوگانه‌سازی‌ها نیز معنای ثابتی ندارند بلکه قبل، بعد و در طول منازعه مفصل‌بندی می‌شوند. علاوه بر این، ایجاد دشمن همراه با کسب هویت برای خود است (کارپنتیر، ۲۰۱۰). در این حالت، هویت به بیرون سازنده (Constitutive Outside) تبدیل می‌شود (لاکلا، ۱۹۹۰).

## ۲-۱. الگوی تحلیل لاکلا و موف

لاکلا و موف چارچوب اصلی نظریه‌ی گفتمان خود را در کتاب *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی* (۱۹۸۵) شکل دادند. با وجود این، لاکلا به تنهایی چندین اثر در سال‌های (۱۹۹۰)، (۱۹۹۳) و (۲۰۰۰) در تکمیل این نظریه ارائه داد. لاکلا (۲۰۰۰) الگویی را طراحی کرد که به طور مشخص ضدیتی که مفصل‌بندی را ممکن می‌سازد را مورد بررسی قرار می‌دهد. این الگو برای تحلیل انقلاب اکتبر روسیه طراحی شده بود. توماسن (۲۰۰۵) اصلاحاتی را بر این الگو اعمال نمود. الگوی لاکلا همراه با اصلاحاتی که توماسن (۲۰۰۵) بر روی آن انجام داد، در نمودار زیر نشان داده شده است:



نمودار ۱) چگونگی ترسیم مرزهای ضدیتی (لاکلا، ۲۰۰۰: ۳۰۳ و توماسن، ۲۰۰۵: ۲۹۴-۲۹۳)

<sup>۱</sup> . De Vos

لاکلا (۲۰۰۰) این الگو را به منظور توضیح اینکه چگونه یک مفصل‌بندی هژمونیک می‌شود و به گفتمان مسلط تبدیل می‌گردد ارائه داد. در این الگو، لاکلا از علامت برای نشان دادن وقته‌های گفتمان و از علامت = به منظور ارتباط وقته‌ها استفاده کرده‌است. توماسن (۲۰۰۵) در الگوی اصلاح‌شده، از علامت استفاده کرد. به بیان توماسن (۲۰۰۵) وقته‌ها بر اساس منطق تفاوت در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. از این رو علامت در میان هر یک از این وقته‌ها بیانگر وجود رابطه‌ی هم ارزی میان وقته‌هاست نه رابطه‌ی تساوی. دالی که در بالای این زنجیره‌ی هم ارزی قرار می‌گیرد دال مرکزی است که بر اساس محتوای خاصی که دارد می‌توان آن را دال تهی نامید (لاکلا، ۲۰۰۰). خطی که در این الگو ما را از دیگری‌ها جدا می‌سازد، مرز ضدیتی (antagonistic frontier) نامیده می‌شود (لاکلا، ۲۰۰۰). ترسیم مرز ضدیتی امری حیاتی برای ایجاد هژمونی است. این مرز قلمروی گفتمانی یا عناصر شناور و وقته‌های خاصی را که در گفتمان مفصل‌بندی شده‌اند، ترسیم می‌کند. این مرز بر مبنای غیرسازی شکل گرفته است. تا زمانی که این غیرسازی وجود داشته باشد و این مرز بتواند گفتمان را از قلمرو گفتمانی متمایز سازد، هژمونی گفتمان استمرار می‌یابد اما هنگامی که این مرز از بین رفت، هژمونی نیز متلاشی می‌شود (توماسن، ۲۰۰۵).

در پژوهش حاضر از نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موف برای تحلیل متون استفاده شده است. البته گرچه این نظریه قابلیت تبیین فوق‌العاده‌ای در سطح کلان برای تحلیل گفتمان دارد اما در سطح خرد ابزار تحلیلی مناسبی برای تحلیل ارائه نمی‌دهد. لذا در این پژوهش در کنار این نظریه از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف نیز استفاده می‌شود. تلفیق نظریه لاکلا و موف (۲۰۰۱) با برخی از عناصر تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به صورت دلبخواهی انجام نشده است، بلکه بنا به ضرورت و بر اساس رویه برخی از صاحب‌نظران این حوزه، صورت گرفته است. برای نمونه یورگنسن و فیلیپس (۲۰۰۲: ۱۵۳-۱۷۴)، سلطانی (۱۳۸۴) و تاجیک (۱۳۸۳) به طور جداگانه به این نتیجه رسیده‌اند که برای تحلیل گفتمان رخدادهای سیاسی<sup>۵</sup> اجتماعی، نظریه لاکلا و موف و عناصر و مفاهیمی از نظریه‌ی تحلیلی انتقادی گفتمان فرکلاف در کنار هم کارایی زیادی دارند. از این رو، در ادامه ابزار مورد استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف معرفی می‌شود. به باور ریچاردسون (۲۰۰۷: ۳۷) «تحلیل گفتمان انتقادی از یک سو کردارهای اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و از سوی دیگر، متن‌ها نیز با شکل دادن به دیدگاه‌های مخاطبان خود بر جامعه اثر می‌گذارند». در این میان، نورمن فرکلاف (۱۹۹۵) الگویی چند لایه و نسبتاً جامع را برای بررسی سازکارهای پنهان بازنمایی ایدئولوژیک در متن پیشنهاد می‌دهد. این الگو چارچوبی برای پژوهش تجربی درباره‌ی ارتباطات و جامعه فراهم می‌آورد (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲). در این پژوهش از دو ابزار گفتمان انتقادی فرکلاف (۱۹۹۵) یعنی بینامتنیت و گزینش واژگانی استفاده خواهد شد.

## ۲-۲. انتخاب واژگانی

فرکلاف (۱۹۸۹: ۱۱۶) بر این باور است که "گزینش واژه‌های یک متن به روابط اجتماعی میان شرکت‌کنندگان بستگی دارد و به شکل‌گیری متن کمک می‌کند". در حقیقت، مطبوعات با بهره‌گیری از امکانات واژگانی مختلفی که زبان در اختیار آن‌ها می‌گذارد، اقدام به تولید و بازنمایی واقعیت به شیوه‌های خاص می‌کنند و به این طریق گفتمان خاصی را تقویت می‌کنند و گفتمان دیگری را به چالش می‌کشند. از این رو، انتخاب‌های واژگانی به لحاظ ایدئولوژیکی از اهمیت

زیادی برخوردار هستند. از نظر سایکس<sup>۱</sup> (۱۹۸۵) انتخاب واژگان متفاوت توسط سخنگویان مختلف برای اشاره به مصادیق یکسان، وابستگی‌های ایدئولوژیکی آنان را نمایان خواهد ساخت. به عنوان مثال در داده‌های مورد بررسی در این پژوهش، استفاده از اصطلاح فتنه و انحراف و واژه‌های دیگری که این حوزه‌ی معنایی را تقویت می‌کنند، در این بازه زمانی خاص، در مطبوعات کشورمان تداعی‌کننده‌ی تنازعی است که میان گفتمان جبهه‌ی متحد اصول‌گرایی و جبهه‌ی پایداری است.

### ۲-۳. بینامتنیت

دومین ابزاری که از آن برای تحلیل متون کامل خبری، در این مطالعه استفاده می‌شود، شیوه‌های به‌کارگیری بینامتنیت است. در چارچوب الگوی سه لایه‌ای فرکلاف (۱۹۹۵) تحلیل بینامتنی بر مرز میان متن و کردار گفتمانی متمرکز است. به عقیده فرکلاف (۱۹۹۵) تحلیل بینامتنی از زاویه‌ی کردار گفتمانی به متن می‌نگرد و در پی آثار کردار گفتمانی بر متن است. فرکلاف (۱۹۹۵) دو نوع بینامتنیت را مطرح می‌کند که عبارت‌اند از بینامتنیت صریح و بینامتنیت غیر صریح. به‌کارگیری مستقیم یک متن در متن دیگر، مانند نقل قول‌ها، به بینامتنیت صریح مربوط است، و بینامتنیت غیر صریح به استفاده از عناصری از یک نظام گفتمانی دیگر در یک متن اشاره دارد.

دو شیوه‌ی خاص به‌کارگیری بینامتنیت صریح که در این پژوهش از آن‌ها استفاده خواهد شد عبارت‌اند از نقل قول‌های مستقیم و نقل قول‌های غیرمستقیم. مطبوعات انباشته از متونی است که از زبان شخصیت‌های سیاسی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم نقل می‌شوند. به بیان فرکلاف (۱۹۹۵: ۱۸۸)، تحلیل بینامتنی "مکملی ضروری برای تحلیل زبان‌شناختی است". تحلیل بینامتنی نشان‌دهنده‌ی چگونگی استفاده‌ی گزینشی متن‌ها از نظم‌های گفتمانی است. از این رو، در نزد فرکلاف تحلیل بینامتنی "حلقه‌ی واسطه‌ی زبان و بافت اجتماعی است و خلأ موجود میان متن‌ها و بافت‌ها را به شایستگی پر می‌کند" (۱۹۹۵: ۱۸۸).

در تحلیل متن‌های نوشتاری مقایسه و نقل قول دو شکل بسیار پر کاربرد بینامتنیت هستند. در مقایسه، متن‌ها در تفسیر رویدادها از طریق ارتباط دادن با الگوهای ذهنی اجتماعی که برای خواننده آشنا هستند، تلاش می‌کنند ذهن خواننده را به سمت و سوی دلخواه هدایت کنند (اچوگر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴: ۳۱۲). از سوی دیگر، به بیان یورگنسن و فیلیپس (۲۰۰۲: ۱۴۹)، "راه مفید برای درک ماهیت یک متن مقایسه آن با متون دیگر است زیرا بخصوص در یک فضای تبلیغاتی و یک رقابت انتخاباتی، یک گفته یا نوشته معنایش را از طریق متفاوت بودن با گفته یا نوشته‌ی دیگر کسب می‌کند".

اما نقل قول بیشتر برای مشروعیت بخشیدن و اعتبار دادن رویداد گزارش‌شده‌ای که تفسیرشده مورد استفاده قرار می‌گیرد. در اینجا می‌توانیم دو نوع نقل و قول را از یکدیگر متمایز سازیم: نقل قول مستقیم (به زبان فرکلاف بینامتنیت صریح) که در آن دقیقاً واژه‌های استفاده‌شده در متن اصلی، در متن جدید با علامت نقل قول ظاهر می‌شوند؛ و نقل قول غیرمستقیم که در آن خلاصه‌ای از "آن چه در متن اصلی گفته شده، و نه واژگانی که دقیقاً به کار گرفته شده" نقل می‌شود" (فرکلاف، ۲۰۰۳: ۴۹).

<sup>۱</sup>. Sykes

<sup>۲</sup>. Achugar

### ۳. توصیف و تحلیل متون کامل خبری روزنامه‌ی رسالت

در این بخش، به تحلیل ۲ متن از ۵ متن<sup>۱</sup> کامل خبری از روزنامه رسالت به عنوان حامی گفتمان جبهه متحد اصول‌گرایی پرداخته می‌شود. این متون از روزنامه رسالت در فاصله زمانی ۹۰/۱۱/۱۵ تا ۹۰/۱۲/۱۵ گردآوری شده است. همان‌گونه که ذکر شد، جبهه‌ی متحد اصول‌گرایی هدف خود را مرزبندی با جریان انحرافی می‌دانستند که در دولت به وجود آمده بود. در متن زیر نیز این امر به وضوح نشان داده شده است:

#### متن (۱)

##### معنویت و عقلانیت، عدالت و پیشرفت در سایه ولایت شعار جبهه متحد اصولگرایان

صالح اسکندری: شعار جبهه متحد اصولگرایان در نهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی با اتکا به فرمایشات مقام معظم رهبری در سالگرد رحلت امام خمینی (ره) عنوان «معنویت<sup>۲</sup> و عقلانیت، عدالت و پیشرفت در سایه ولایت» طراحی و اعلام شده است ... دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است. بُعد معنویت است؛ یعنی امام بزرگوار ما صرفاً با تکیه بر عوامل مادی و ظواهر مادی، راه خود را پی نمی‌گرفت؛ اهل ارتباط با خدا، اهل سلوک معنوی، اهل توجه و تذکر و خشوع و ذکر بود؛ به کمک الهی باور داشت؛ امید او به خدای متعال، امید پایان‌ناپذیری بود. و در بُعد عقلانیت، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات، در مکتب امام مورد ملاحظه بوده است... این مجموعه، این بسته کامل، میراث فکری و معنوی امام است. خود امام بزرگوار هم در رفتارش، هم مراقب عقلانیت بود، هم مراقب معنویت بود، هم با همه وجود متوجه به بُعد عدالت بود. ولایت به عنوان خط ناب دینی چتری است که می‌تواند مانع از کژتابی‌ها در پیگیری اهداف کلان انقلاب گردد و راهگشای فهم عقلانیت، معنویت، عدالت و پیشرفت باشد... جریان انحرافی در مقابل گفتمان انقلاب اسلامی قرار دارد. حرف‌هایی که از این جریان شنیده می‌شود حرف‌های امام راحل (ره)، مقام معظم رهبری و مردم نیست... زمانی بحث ملت اسرائیل مطرح می‌شود و زمانی موضوع ایران در مقابل اسلام را طرح می‌کنند و ما با توجه به منطق گفتمان انقلاب اسلامی، مخالف این طرز تفکرها هستیم.

روزنامه رسالت، شماره ۷۴۸۷ به تاریخ ۹۰/۱۲/۳، صفحه ۲

#### تحلیل متن (۱)

در متن (۱) می‌توان مفصل‌بندی گفتمان جبهه متحد اصول‌گرایی را مشاهده کرد. ولایت‌فقیه دال مرکزی این گفتمان است که دال‌های شناور معنویت، عقلانیت، عدالت و پیشرفت حول آن مفصل‌بندی شده‌اند. این مفصل‌بندی را می‌توان با نوع چینش واژگان متن به راحتی مشاهده کرد. دال معنویت با واژه‌هایی از قبیل «اهل ارتباط با خدا»، «اهل سلوک معنوی»، «اهل توجه به تذکر و خشوع»، «باور به کمک الهی» و «امید به رضای خدا» برجسته شده است. علاوه بر این، دال عقلانیت در قالب واژه‌هایی مانند «به کار گرفتن خرد»، «تدبیر»، «فکر» و «محاسبات» بازنمایی شده است.

بر طبق این متن، دال پیشرفت و عدالت دو دال دیگر این گفتمان هستند که منبعث از اسلام و قرآن هستند. به گونه‌ای که ولایت به عنوان خط ناب دینی چتری است که می‌تواند مانع از کژتابی‌ها در پیگیری اهداف کلان انقلاب گردد و راهگشای فهم عقلانیت، معنویت، عدالت و پیشرفت باشد. از این رو، دال مرکزی ولایت‌فقیه سبب انسجام این گفتمان می‌شود و فهم عقلانیت، معنویت، عدالت و پیشرفت را میسر سازد.

۱. تعداد متون خبری مورد بررسی برای هر روزنامه (۵) فقره بوده است، که در این مقاله دو فقره از هر کدام به عنوان نمونه ارائه شده است.

۲. در متون مورد بررسی کلمات و عبارات نمایانگر دال‌های مورد نظر توسط نگارنده به صورت تیره‌تر تایپ شده است.

افزون بر این، در این متن نوعی غیرت‌سازی درون‌گفتمانی وجود دارد. یکی از محورهای تبلیغاتی جبهه‌ی متحد اصول‌گرایی برای مقابله با جبهه‌ی پایداری منتسب کردن آن‌ها به جریان انحرافی است. تعبیر جریان انحرافی از سوی جبهه‌ی متحد اصول‌گرایی به جریان حامی رئیس‌جمهور در دولت دهم اشاره دارد. در حقیقت، اصول‌گرایان وابسته به «جریان انحرافی» هستند که «زمانی بحث ملت اسرائیل را مطرح می‌کنند» و «زمانی موضوع ایران در مقابل اسلام را مطرح می‌کنند». همچنین حرف‌هایی که از آن‌ها شنیده می‌شود «حرف‌های امام (ره)»، «مقام معظم رهبری» و «مردم» نیست. در مقابل «ما» کسانی هستند که حرف‌هایشان حرف‌های «امام (ره)» و «رهبری» است، در برابر جریان انحرافی جبهه گرفته‌اند و گفتمان‌شان، «گفتمان امام (ره)» است.

## متن (۲)

### عدالت در سایه ولایت

**عدالت** نیز در گفتمان اصول‌گرایی در سایه **ولایت** است چرا که بر خلاف **لیبرالیسم** که **عدالت** را به حاشیه می‌راند در اسلام عدالت یکی از اصول بنیادین دینی است و در جامعه ما به ازای عینی و ملموس دارد. پیغمبر اکرم حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) فرمود: «**عدالت میزان خداوند در زمین است**... «لِيقوم الناس بالقسط» **میزان پیامبران قیام به قسط و عدالت است**. حضرت امیر المومنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «العدل يضع الامور مواضعها» **عدالت هر شی را در جایگاه خود قرار می‌دهد... در اسلام آسمان‌ها و زمین بر اساس عدل استوارند**. «بالعدل قامت السموات والارض»... جنبش پیشرفت در ایران که در سالهای اخیر به یک گفتمان عمومی در کشور تبدیل شده است بر مبنای **معنویت** و در سایه **ولایت** است. در نظام معنایی انقلاب اسلامی گفتمان **پیشرفت نه به معنای توسعه علوم غربی است** و نه تولید علم که مدلولی معاصر است برای تداوم نرم‌افزاری تمدن غرب؛ بلکه **نهضت تولید علم در ایران یک الگوی اصلاحی برای بلوغ علمی و معنوی بشر امروز است**... جهاد یک واژه مقدس است که انگیزه‌ها و لوازم **استقامت و پایداری** ملت ایران را در بحبوحه درگیری‌های اول انقلاب، **جنگ تحمیلی، تحریم‌های اقتصادی، جنگ نرم** و... فراهم کرد و یکی از مهم‌ترین عوامل حرکت متعالی و رو به پیشرفت جامعه اسلامی ایران در سه دهه گذشته بوده است.

روزنامه رسالت، شماره ۷۴۸۸، ۹۰/۱۲/۴، صفحه ۲

## تحلیل متن (۲)

نگاهی به دفعات تکرار بعضی واژه‌ها اهمیت آن‌ها را متن نشان خواهد داد. در متن (۲) عدالت ۲۹ بار، پیشرفت ۸ بار، اسلام ۲۵ بار، عقلانیت ۲ بار، معنویت ۳ بار و ولایت و مفاهیم وابسته به آن ۱۰ بار تکرار شده است. محوریت معنایی متن بر ولایت‌فقیه بنیان نهاده شده است. همچنین سعی شده است تعریفی از دال‌های عدالت، پیشرفت و معنویت حول دال مرکزی ولایت‌فقیه ارائه گردد که این ناشی از تلاش گفتمان جبهه‌ی متحد اصول‌گرایی برای برجسته ساختن و تأکید گذاشتن بر جنبه‌های اسلامی این گفتمان است.

همچنین، در متن (۲) نیز نوعی غیرسازی وجود دارد، اما این غیرسازی از نوع برون‌گفتمانی و در تقابل با گفتمان اصلاح‌طلبی شکل گرفته است. در این متن تلاش شده است تا دو دال شناور از گفتمان اصلاح‌طلبی ساختارشکنی شوند. با تکیه بر لیبرالیسم که در گفتمان اصلاح‌طلبی عدالت را به حاشیه می‌برد، سعی شده است دال آزادی گفتمان اصلاح‌طلبی به حاشیه برده شود و دال عدالت برجسته شود. همچنین، با چینش واژگانی به صورت پیشرفت «نه به معنای توسعه‌ی علوم غربی» و «نه تولید علم که مدلولی معاصر است برای تداوم نرم‌افزاری تمدن غرب» سعی شده است دال توسعه سیاسی در گفتمان اصلاح‌طلبی ساختارشکنی شود و دال پیشرفت برجسته شود.



علاوه بر این، در این متن با ذکر احادیث و آیاتی از جمله «عدالت میزان خداوند در زمین است»، «میزان پیامبران قیام به قسط و عدالت است»، «عدالت هر شیئی را در جایگاه خود قرار می‌دهد» و «در اسلام آسمان‌ها و زمین بر اساس عدل استوارند» سعی شده است دو شیوه گفتاری سیاسی و مذهبی ترکیب شود. حاصل این امر، نوعی بینامتنیت را سامان داده است که سبب انسجام متن شده است. از این طریق سعی شده است که دال عدالت در گفتمان جبهه‌ی متحد اصول‌گرایی برجسته و به گونه‌ای اسلامی بازنمایی شود.

همچنین در ادامه این متن سعی شده است دال شناور استقامت با توصیفاتمانند «استقامت و پایداری ملت ایران را در بحبوحه درگیری‌های اول انقلاب، جنگ تحمیلی، تحریم‌های اقتصادی، جنگ نرم و ...» برجسته شده است. به گونه‌ای که یکی از مهم‌ترین عوامل حرکت متعالی و رو به پیشرفت جامعه اسلامی ایران در سه دهه گذشته عنوان شده است. در ادامه واکنش جبهه پایداری نسبت به این هجوم معنایی از سوی جبهه متحد اصول‌گرایی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این راستا، به متون مطبوعاتی هفته‌نامه ۹ دی وابسته به جبهه پایداری مراجعه خواهد شد تا مشخص شود که آن‌ها چگونه در برابر جبهه متحد اصول‌گرایی مقاومت می‌کنند و دست به تهاجم متقابل می‌زنند.

#### ۴. توصیف و تحلیل متون کامل خبری در هفته‌نامه‌ی ۹ دی وسایت جبهه‌ی پایداری

در این بخش، به تحلیل ۱ متن کامل خبری از ۲ متن هفته‌نامه‌ی ۹ دی به عنوان حامی جبهه پایداری انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود. این متون از روزنامه‌ی جبهه‌ی پایداری در فاصله زمانی ۹۰/۱۱/۱۵ تا ۹۰/۱۲/۱۵ گردآوری شده است. همچنین، بیانیه‌ی اعلام حضور این جبهه از سایت جبهه پایداری انتخاب شده است. همان‌گونه که ذکر شد، جبهه‌ی پایداری انقلاب اسلامی هدف خود را مرزبندی با «ساکتین فتنه» می‌دانند. در متن زیر نیز این امر به وضوح نشان داده شده است.

#### متن (۳)

##### بیانیه اول (اعلام موجودیت جبهه پایداری انقلاب اسلامی)

جبهه پایداری انقلاب اسلامی وظیفه و مسئولیت خطیر خود را تلاش برای تداوم شاخص‌های عمده این مکتب یعنی عقلانیت، معنویت و عدالت در حول محور ولایت می‌داند؛ و به فضل و عنایت الهی همت خود را معطوف به پایداری از اصالت حرکت ملت در انقلاب اسلامی ۵۷ که تجلی آن در حماسه‌های سال ۸۴ و حضور ۴۰ میلیونی سال ۸۸ است خواهد نمود مع الوصف دشمن مستکبر و شیطان‌صفت با تهاجم گسترده و همه‌جانبه فرهنگی تلاش نمود که امکان اداره جامعه را بر اساس آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص) غیرممکن جلوه دهد و نظام مبتنی بر مردم‌سالاری دینی را شکست‌خورده و ناکارآمد معرفی کند و عدالت اسلامی را غیرقابل تحقق و مغایر با رشد و بالندگی اقتصادی و رفاه مناسب عموم مردم، جلوه گر سازد. در آن دوران، با اتخاذ برخی سیاست‌ها، عدالت اسلامی در بستر توسعه مبتنی بر آموزه‌های غربی قربانی شد و شرایطی فراهم گردید که غلتیدن در آغوش سکولاریسم را شدت بخشید و با اقدامات برآمده از مدیریت تکنوکرات‌های عموماً غرب‌گرا و عدالت‌گریز، مطالبات واقعی امت و رهبری معظم انقلاب در تحقق عدالت اسلامی ناکام ماند. متعاقباً پس از هشت سال دوره اصلاحات آمریکایی، ملت ایران که فرصت عظیمی را از دست رفته یافت، بار دیگر در سوم تیر ۸۴ پرچم‌دار آرمان‌های اسلام ناب محمدی (ص) شد و توانست با حضور سراسر بصیرت خود، گفتمان انقلاب اسلامی را که گفتمان خالص ملت بود، به قدرت اجرایی بازگرداند و بازوان ولایت را در این عرصه تقویت کند و با نصرت ولی امر مسلمین به مطالبات ۱۶ ساله در تحقق عدالت پاسخ امیدبخشی دهد. کارآمدی این گفتمان باعث گردید تا بار دیگر دشمنان با یارگیری از عناصر بی بصیرت، همه

ظرفیت خود را برای بازگرداندن راه ملت از این حرکت و آرمان متعالی، بسیج نماید. در ۲۲ خرداد سال ۸۸ ملت ایران با پیشتازی و مدیریت حکیمانه رهبر فقیه و بصیر خود، قدرتمندانه بر آرمان‌های اسلامی و انقلابی خویش ایستاد و مهر ناکامی بر کارنامه سیاه دشمن زد و در حماسه‌های ۹ دی و ۲۲ بهمن ۸۸ با الهام از کلام امیر مؤمنان علی (ع) که در جریان فتنه صفین در تجلیل و تأیید یاران با بصیرت خود فرمود «وَتَقُوا بِالْقَائِدِ فَاتَّبِعُوهُ» ° آنان به رهبر اعتماد کرده و از او تبعیت کردند. چنان میلیون‌ها عمار با حضور پر شکوه و پر صلابت خویش، دشمن توطئه‌گر را مأیوس و خواص بی بصیرت را رسوا و منزوی کردند. خواصی که با فراموشی اصول، به تکیه‌گاه فتنه تبدیل شدند و یا با سکوت و اتخاذ مواضع غیر شفاف موجب تقویت و تداوم فتنه گردیدند.

۱۳۹۰/۵/۶، سایت خبری جبهه‌ی پایداری

### تحلیل متن (۳)

بیانیه‌ی اعلام موجودیت جبهه‌ی پایداری حول دال مرکزی ولایت فقیه سامان یافته است. در این متن، با تکرار مستقیم واژگان «عقلانیت» (۳ بار)، «معنویت» (۲ بار) و «عدالت» (۷ بار)، مفصل‌بندی گفتمان جبهه‌ی متحد اصولگرایی حول «ولایت فقیه» (۴ بار) شکل گرفته است. علاوه بر این، دال‌های شناور مقاومت و ارزش‌ها نیز در قالب جملاتی از قبیل: «همت خود را معطوف به پایداری از اصالت حرکت ملت در انقلاب اسلامی ۵۷ که تجلی آن در حماسه‌های سال ۸۴ و حضور ۴۰ میلیونی سال ۸۸ است خواهد نمود» و «در ۲۲ خرداد سال ۸۸ ملت ایران قدرتمندانه بر آرمان‌های اسلامی و انقلابی خویش ایستاد» مورد تأکید قرار گرفته است.

در متن (۳) نوعی غیرسازی بین خودی و غیرخودی دیده می‌شود. دو نوع غیرسازی در این متن دیده می‌شود. یکی غیرسازی درون گفتمانی است و دیگری غیرسازی برون گفتمانی که در مقابل رقیب دیرینه‌ی گفتمان اصول‌گرایی یعنی اصلاح‌طلبان شکل گرفته است. خودی‌ها یعنی اعضای جبهه‌ی پایداری، «دارای بصیرت»، «ولایت مدار» و «عدالت گستر» هستند. همچنین، خودی‌ها «پرچم دار اسلام ناب محمد (ص) هستند»، «گفتمان انقلاب اسلامی را به قدرت اجرائی باز گردانده»، «بازوان ولایت را تقویت کرده» و «به مطالبات ۱۶ ساله در تحقق عدالت پاسخ داده اند».

واژگانی همچون «اصلاحات آمریکایی»، «سکولار»، «غرب‌گرا»، «بی‌بصیرت» و «عدالت‌گریز»، «مستکبر»، «شیطان-صفت» همراه با «غیر» برون گفتمانی یعنی اصلاح طلب است. همچنین غیر برون گفتمانی تلاش نمود «امکان‌آدره‌ی جامعه را بر اساس آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص) غیرممکن جلوه دهد»، «نظام مبتنی بر مردم‌سالاری را شکست خورده و ناکارآمد معرفی کند»، «عدالت اسلامی را غیرقابل تحمل و مغایر با رشد و بالندگی اقتصادی و رفاه مناسب عموم مردم، جلوه‌گر سازد»، «عدالت اسلامی را در بستر توسعه‌ی عدالت سیاسی مبتنی بر آموزه‌های غربی قربانی کردند» و «شرایطی را فراهم کند که غلطیدن در آغوش سکولاریسم را شدت بخشیدند». در این جملات سعی شده است دال‌های توسعه‌ی سیاسی و آزادی گفتمان اصلاح‌طلبی متناسب با قرائت گفتمان اصولگرایی ساختار شکنی شود؛ و در مقابل، دال‌های عدالت و ارزش‌ها در گفتمان اصولگرایی برجسته شود.

از سوی دیگر، غیر درون گفتمانی یعنی جبهه‌ی متحد اصولگرایی، حول «تکیه‌گاه فتنه» و «ساکتین فتنه» شکل گرفته است. در حقیقت، غیر درون گفتمانی خواصی هستند که «با فراموشی اصول به تکیه-گاه فتنه تبدیل شدند»، یا «با سکوت و اتخاذ مواضع غیر شفاف موجب تقویت و تداوم فتنه گردیدند». این مرزبندی میان خودی و غیر درون گفتمانی سبب اعلام موجودیت جبهه پایداری شده است. غیر درون گفتمانی این جبهه، جبهه‌ی متحد اصول‌گرایی است.

در کل متن (۳) تلاش برای ساختارشکنی دال آزادی و توسعه سیاسی گفتمان اصلاح‌طلبی و برجسته کردن دال‌های ولایت‌فقیه، عدالت، معنویت، مقاومت، ارزش‌ها و عقلانیت را می‌توان مشاهده کرد؛ به عبارت دیگر، مؤلفه‌های گفتمان سنتی برجسته شده و مؤلفه‌های گفتمان تجددگرایی به حاشیه رانده شده است.

#### متن (۴)

##### حجت‌الاسلام دکتر مرتضی آقا تهرانی:

##### مجلس دکان نیست؛ محل خدمت و خانه مردم است

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی آقا تهرانی طی سخنانی با تأکید بر ضرورت **پایداری بر اصول و آرمان‌ها**، به اهمیت انتخابات پیش‌رو اشاره کرد و گفت: به نماینده‌ای که وابسته به پول است و با پول می‌خواهد وارد مجلس شود رأی ندهید، کسی که وابسته به یک قدرتی است، نباید به مجلس راه پیدا کند. وی تصریح کرد: **نماینده‌ای که از فتنه حمایت می‌کند یا در فتنه سکوت کرده، نماینده‌ای که منحرف است و یا در برابر انحراف سکوت کرده** را به مجلس نفرستید و کمک و تبلیغ برای این افراد، حرام و خیانت به نظام است. آقا تهرانی با تأکید بر لزوم پافشاری بر گفتمان جبهه پایداری تصریح کرد: اگر **پایداری** کنیم، نماینده فاسد در مجلس نخواهیم داشت. وی در ادامه با اشاره به وظیفه نمایندگی مجلس گفت: مجلس دکان نیست، بلکه محل **خدمت** و خانه **مردم** است و نماینده باید به درد مردم رسیدگی کند نه به درد خودش... آقا تهرانی ادامه داد: در زمان حاکمیت اصلاح‌طلبان به دلیل **ایستادگی** علامه مصباح در برابر **تفکرات سکولاریستی** آنان، حمله‌های زیادی به ایشان وارد می‌شد، آن زمان بنده در امریکا بودم، استادی داشتیم که بیش از ۱۵۰ کتاب تألیف کرده بود و به من گفت آیا در ایران می‌دانند ایشان (آیت‌الله مصباح) کیست؟

وی در ادامه با یادآوری لزوم پشتیبانی از ولی‌فقیه، گفت: نگذارید **آقا** تنها بماند و اگر دیدید در جایی خراب کاری هست، این برای **ولایت مدار** نبودن است.

هفته‌نامه ۹ دی، ۱۳۹۰/۱۱/۶، شماره ۴۳، ص ۱۵

#### تحلیل متن (۴)

در متن (۴)، حضور دال‌های ولایت‌فقیه، ارزش‌ها، خدمت‌رسانی و عدالت را در شکل‌دهی به متن فوق می‌توان به آسانی با استفاده از نوع گزینش واژگانی متن نشان داد. مهم‌ترین واژگان متن (۴) عبارت‌اند از ولایت (۲ بار)، فتنه (۲ بار)، خدمت (۱ بار) و اصول و آرمان‌ها (۱ بار). همانند متون قبلی، این متن نیز با ایجاد نوعی تقابل میان خودی و غیرخودی در پی غیرسازی است. خودی قطب مثبت متن و غیرخودی قطب منفی متن است. خودی به صورت «پشتیبان ولایت‌فقیه»، «پایدار بر اصول و ارزش‌ها» و «خدمت‌گزار مردم» بازنمایی شده است. غیرخودی به دو صورت در این متن شکل گرفته است که عبارت است از غیر درون‌گفتمانی و غیر برون‌گفتمانی. حوادث بعد از انتخابات ۱۳۸۸ در گفتمان اصول‌گرایی تحت عنوان فتنه نام‌گذاری شده است. از این رو، غیر درون‌گفتمانی اصول‌گرایانی هستند که از «فتنه حمایت می‌کنند» و یا «در برابر فتنه سکوت کرده‌اند». از سوی دیگر، غیر برون‌گفتمانی، اصلاح‌طلبانی هستند که «تفکرات سکولاریستی» دارند. هدف از این غیرسازی ساختارشکنی دال آزادی در گفتمان اصلاح‌طلبی و برجسته کردن دال‌های مقاومت و ارزش‌ها در گفتمان جبهه‌ی پایداری است.

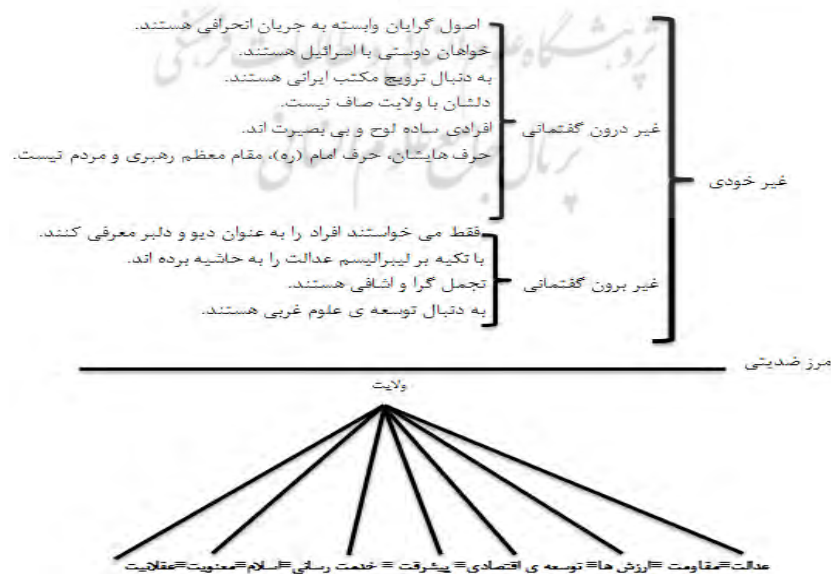
## ۵. نتیجه‌گیری

در متون تحلیل‌شده‌ی روزنامه رسالت به عنوان حامی گفتمان جبهه‌ی متحد اصول‌گرایی، ترکیبی از دال‌های شناور معنویت، عقلانیت، عدالت، پیشرفت، خدمت‌رسانی، مقاومت، توسعه‌ی اقتصادی، اسلام و ارزش‌ها حول دال مرکزی ولایت مفصل‌بندی شده است. این مفصل‌بندی نظام معنایی جبهه‌ی متحد اصول‌گرایی را شکل داده است. حضور دال‌های دیگر گفتمان اصول‌گرایی از جمله خدمت‌رسانی و توسعه‌ی اقتصادی نیز در این متون نمایان است. بر اساس یافته‌های به دست آمده از این متون می‌توان گفت که گفتمان جبهه‌ی متحد اصول‌گرایی در مفصل‌بندی گفتمان اصول‌گرایی به وضوح یافت می‌شود و در حقیقت استمرار گفتمان اصول‌گرایی است. دو دال معنویت و عقلانیت دال‌های جدیدی هستند که با توجه به غیر درون‌گفتمانی در این گفتمان مفصل‌بندی شده‌اند. عامل اصلی وجود تخاصم برای گفتمان جبهه‌ی متحد اصول‌گرایی جریان انحرافی است. نظام معنایی و مفصل‌بندی گفتمان جبهه‌ی متحد اصول‌گرایی در شکل (۱) نشان داده شده است.



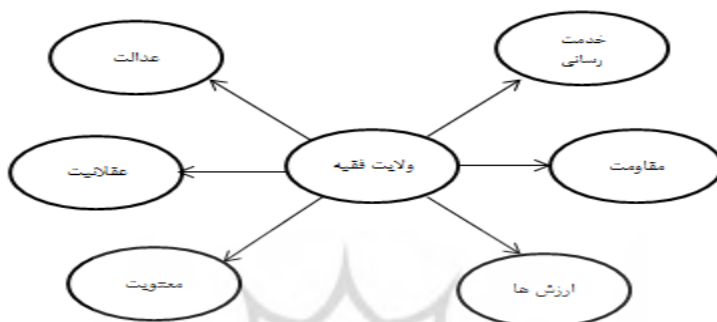
شکل (۱) نظام معنایی گفتمان جبهه‌ی متحد اصول‌گرایی در سال ۱۳۹۰

از سوی دیگر، با بررسی متون انتخاب‌شده‌ی روزنامه‌ی رسالت بر اساس نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موف (۲۰۰۱)، می‌توان غیرسازی را ترسیم نمود که این مفصل‌بندی را ممکن سازد. این غیرسازی در شکل (۲) نشان داده شده است.



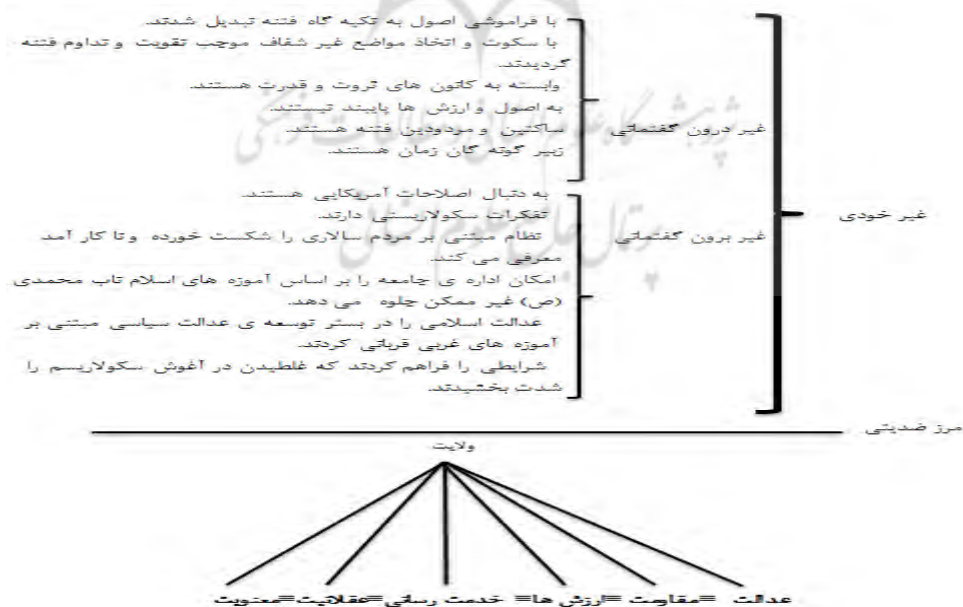
شکل (۲) مرزهای ضدیتی در گفتمان جبهه‌ی متحد اصول‌گرایی در انتخابات ۱۳۹۰

در مقابل، با بررسی متونی از جبهه‌ی پایداری انقلاب اسلامی مشخص شد که این جبهه همانند جبهه متحد اصول‌گرایی در حقیقت استمرار گفتمان اصول‌گرایی است. به این دلیل است که در همه‌ی این متون می‌توان به وضوح حضور دال‌های گفتمان اصول‌گرایی را مشاهده کرد. در گفتمان جبهه‌ی پایداری مجموعه‌ی دال‌های عقلانیت، معنویت، عدالت حول دال مرکزی ولایت مفصل‌بندی شده است. در این متون حضور دال‌های دیگر گفتمان اصول‌گرایی مانند ارزش‌ها، مقاومت و خدمت‌رسانی نیز مشاهده می‌شود. نظام معنایی و مفصل‌بندی گفتمان جبهه‌ی پایداری انقلاب اسلامی در شکل (۳) نشان داده شده است.



شکل (۳) نظام معنایی گفتمان جبهه‌ی پایداری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۰

با بررسی ۲ متن انتخابی هفته‌نامه‌ی ۹ دی بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موف (۲۰۰۱) مشخص شد که گفتمان جبهه‌ی پایداری انقلاب اسلامی در پی ایجاد غیرسازی برای کسب هویت است. این غیرسازی با ترسیم مرزهای میان خودی و غیر خودی نمود پیدا می‌کند. این مهم در شکل (۴) ترسیم شده است.



شکل (۴) مرزهای ضدیتی در گفتمان جبهه‌ی پایداری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۰

همچنین، بررسی این متون حاکی از این است که نوعی نزاع درون‌گفتمانی بین این جبهه و جبهه‌ی متحد اصولگرایان وجود دارد. همان‌گونه که متون نیز نشان می‌دهند، عامل اصلی این نزاع، ناشی از مرزبندی با جریان فتنه و انحراف است. تعبیر فتنه از سوی گفتمان جبهه‌ی پایداری به کسانی نسبت داده می‌شود که در برابر حوادث بعد از انتخابات ۱۳۸۸ مرزبندی نکرده‌اند یا در مقابل آن سکوت کرده‌اند. تعبیر انحراف از سوی جبهه‌ی متحد اصول‌گرایی به حامیان رئیس‌جمهور وقت نسبت داده می‌شود. تعبیر فتنه و انحراف نقش‌های اصلی را در هویت‌بخشی به دو گفتمان جبهه‌ی پایداری انقلاب اسلامی و جبهه‌ی متحد اصول‌گرایی ایفا می‌کند. از این رو، مقوله‌های محوری برای ظهور و تداوم این گفتمان‌ها ارزیابی می‌شوند، زیرا ایجاد یک رابطه‌ی خصمانه که اغلب منجر به تولید دشمن یا دیگری می‌شود، برای تأمین مرزهای گفتمانی امری حیاتی به شمار می‌رود (لاکلا و موف، ۲۰۰۱). براین اساس است که این نظریه و مفهوم منازعه و خصومت در آن، ابزار مناسبی برای بررسی رویارویی دو جبهه‌ی پایداری انقلاب اسلامی و جبهه‌ی متحد اصول‌گرایی در اختیار قرار می‌دهد.

### کتابنامه

- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). *گفتمان، پادگفتمان و سیاست*. تهران: موسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی.
- سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. چاپ اول. تهران: نشر نی.
- کسرابی، محمد سالار و پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۷). *نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موف ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی*. فصل‌نامه‌ی سیاست، ۳۹ (۳)، ۳۳۹-۳۶۰.
- Achugar, M. (2004). The event and actors of 11 September 2001 as seen form Uruguay: analysis of Daily Newspaper editorials. *Discourse & Society*, 15(2-3): 291-320.
- Carpentier, N. (2010). *Deploying Discourse Theory: An Introduction to Discourse Theory and Discourse Theoretical Analysis*. Estonia: Tartu University Press.
- De-Vos, P. (2003). Discourse theory and the study of ideological (trans-) formation: analyzing social Democratic revisionism. *Journal of Pragmatics*, 13(1), 163- 180.
- Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. London: Longman.
- Fairclough, N. (1995). *Critical Discourse Analysis*. London: Longman.
- Fairclough, N. (2003) *Analyzing Discourse: Textual Analysis for Social Research*. London: Routledge Press.
- Gramsci, A. (1971). *Selection from the Prison Notebooks*. New York: International Publisher.
- Jorgensen, M., & Phillips, L. (2002). *Discourse Analysis as Theory and Method*. London, Thousand Oaks, New Delhi: Sage Publication.
- Laclau, E., & Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. (1<sup>st</sup>. Ed). London: Verso.
- Laclau, E., & Mouffe, C. (2001). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. (2<sup>nd</sup>. Ed). London: Verso.
- Laclau, E. (1990). *New Reflections on the Revolution of Our Time*. London: Verso.
- Laclau, E. (1993). Power and representation. In M. Poster (Ed.), *Politics, Theory and Contemporary Culture*. New York: Columbia University Press.
- Laclau, E. (2000). Constructing universality. In *Contingency, Hegemony, Universality: Contemporary Dialogues of the Left* (pp. 281-307). London, New York: Verso.

- Richardson, J. E. (2007) *Analysing Newspapers: An Approach from Critical Discourse Analysis*. London: Palgrave Press.
- Sykes, M. (1985). Discrimination in discourse. In Teun A. van Dijk (Ed.), *Handbook of Discourse Analysis*, (4). 83- 101. Amsterdam: University of Amsterdam.
- Thomassen, L. (2005). Antagonism, hegemony and ideology after heterogeneity. *Journal of Political Ideologies*, 10 (3), 289-309.
- Torfinn, J. (1999). *New Theories of Discourse: Laclau, Mouffe and Zizek*. Oxford: Blackwell.
- Zizek, E. (1990). Beyond discourse analysis. In E. Laclau (Ed.), *New Reflections on the Revolution of Our Time*. London: Verso.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی